



بسم الله الرحمن الرحيم

ابرو و باران در آیات قرآن

آخوندها و مروجان خرافه پرستی اینطور تبلیغ کرده اند که گویا نظر اسلام اینست که باران از آسمان می بارد!، آنهم آسمانی خرافی! که نزد اهل خرافه دارای طبقات طلایی و نقره‌ای و ... است، نه آسمانی که قرآن بصورتی واقعی بدان میپردازد و در موارد متعدد و در محدوده های مختلف آن را بکار می برد. از نظر آخوندها و اهل خرافه، باران ربطی به ابرها ندارد، و ابرها تنها نشانه باران هستند نه چیز دیگر!! البته امروزه بسیاری از آخوندها نیز خجالت میکشند که زیاد روی اینگونه خرافات پافشاری کنند، اما چونکه روی حساب این نوع خرافات زیاد خورده اند و هنوز هم دارند نان خرافات و نان تسلیم به وضع استبدادی و شرک آمیز و تبعیض آفرین را میخورند، و نیز بدلیل اینکه این خرافات را قرن‌ها تبلیغ کرده و جا زده اند، و حالا هم راه نفاق و ریا و دو دوزه بازی در پیش گرفته اند، بجاست که روی آن تا حدی افشاگری و روشنگری شود، تا بلکه نمونه‌ای، مایه زوال خروارها خرافات و روشن شدن ماهیت دکانداری آخوندی باشد، که مبنی بر بازی با دین و دینداران است. بله اکنون آخوندهای دین فروش و مروجان استبداد و شرک و خرافات، نزد اقشار آگاه و تحصیل کرده به چیزها و تعالیمی تظاهر میکنند، اما در میان مردم عادی و غیر تحصیل کرده تقریباً دارای همان رفتار سنتی و تعلیمات خرافی هستند، و بدین شیوه دارای رفتار و ماهیتی دو گانه شده و اوضاع را مشوش تر نموده اند. عبارت دیگر، نزد مردم عامی و عادی به سنن قدیمی تظاهر کرده و به خرافه‌گری می پردازند، اما نزد اقشار تحصیل کرده، قیافه عصری! به خود میگیرند!، و چون منافق هستند از دور معلوم است که همه چیزشان ساختگی است، و اصل برای آنها اینست که: **شغل شان که استخدام دین است محفوظ باشد و در عین حال بی آبرو و مفتضح نشوند.** اما آیا چنین چیزی دوام می‌آورد؟!، جواب اینست: **در سایه جهل**

و استبداد آری! ، اما در سایه آزادی و آگاهی نه! ، اینست که راهروان این خرافات هنوز هم اکثریت دارند ، چون نظامهای استبدادی مانع روشن شدن و توحیدی شدن افکار و عقاید مردم هستند و می خواهند که توده های مردم همیشه در جهل و خرافه پرستی و آخوندیگری بپوسند .

حال بعد از این نکات ، نوبت آنست که در مورد رابطه ابر و باران ، مستقیماً به سراغ آیات قرآن برویم ، تا آنچه واقعیت و حقیقت است از آن با خبر شویم . قرآن منزل در سوره روم آیه ۴۸ در مورد ابر و باران و رابطه و منشاء آنها چنین اعلام میدارد : **اللّٰهُ الَّذِي يَرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كَسْفًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خَلَالِهِ : « الله همان ذاتی است که بادهای را میفرستد ، پس از آن ابرها را ظاهر ساخته و بعد آنها را بهر شکل و رنگی که الله اراده کند در آسمان منتشر میسازد ، و آنها را بخش بخش می نماید ، بعد از آن می بینی که از میان ابرها باران تراوات میکند » .** این آیه برای جواب همه سوالات و نفی همه خرافات کفایت میکند ، و در کمال وضوح ، موضع توحیدی را ارائه می نماید . این آیه اعلام میدارد که : **اولاً** در سایه قوانین الله بادهای بحرکت در می آیند (بادهای مرطوب و باران آور) و بدینصورت این اصل تثبیت میشود که منشاء اولیه بارانها ، بادهای مرطوب و باران آور هستند . اینهم بدیهی است که بادهای نیز رطوبت خود را از آبهای موجود در کره زمین دریافت می کنند . **ثانیاً** بعد از به حرکت در آمدن بادهای باران آور ، ابرهای مختلف با رنگهای متفاوت در آسمان منتشر میشوند . **ثالثاً** به دنبال ظهور ابرهای باران آور و بعد از سرد شدن اندازه معینی از آنها ، باران به صورتی قطران از خلال و از عمق ابرهای منتشره خارج میشود و باران شروع به باریدن میکند . بله این توضیح و چگونگی مرحله بندی بارش باران ، همان چیزی است که امروزه بعنوان قوانین علمی ابر و باران بیان میشود و چیزی نه بدان افزوده شده و نه چیزی از آن کم شده است ، زیرا که قوانین علمی همان وحی تکوینی و همان قوانین الله رب العالمین در خلقت و حاکم بر جهان است . همچنین قرآن مبین در سوره نور آیه ۴۳ درباره همین موضوع و منشاء باران چنین میفرماید : **الم تر ان الله يزعج سبحا ثم يوئلف بينه ثم يجعله ركاما فترى الودق يخرج من خلاله : « آیا نمی بینی که الله ابرها را به حرکت در میآورد ، سپس آنها را تالیف کرده و درهم میامیزد ، و بدنبال آن آنها را متراکم و فشرده میسازد ، آنگاه بعد از این مراحل ، می بینی که باران از خلال و از میان ابرها خارج میشود » .** این آیه از طرفی ذکری از بادهای به میان نیاورده ، اما از طرف دیگر مراحل تحرک

و تغییرات ابرها را با تفصیل بیشتری آورده است. بدینصورت: **اولا** ابرها به حرکت درمی آیند، **ثانیا** بدنبال تحرک، ابرها درهم آمیخته شده و تالیف میشوند، **ثالثا** بعد از تالیف و درهم آمیزی، متراکم و فشرده می گردند. بالاخره و بدنبال این مراحل سه گانه، ابرها آماده وضع حمل میشوند و بارانها از میان ابرها خارج شده و سرازیر میشوند. بلکه اینست تعلیمات توحیدی قرآن در باره ابر و باران و رابطه آنها با یکدیگر، تعلیماتی که عین واقعیت است و همان چیزی است که امروزه در سایه کشفیات تجربی بدست آمده و در سایه قوانین علمی و از روی مشاهده تایید شده است. در این آیات قرآنی خبری از خرافات جاهلی رایج که بنام تعلیمات اسلامی! عرضه شده است نیست، خرافاتی که الحمد لله و در سایه روشن شدن عقول و اذهان بشری بسیار کم رنگ و بی آبرو شده و رو به اضمحلال گذاشته است. اما چیزی که جای تاسف بسیار است اینست که این آیات توحیدی در وقت خود برای روشنگری و مبارزه با خرافات بکار گرفته نشد و بجای آن تعلیمات غربیان که بیشتر وجه اسلام ستیزی داشت! نه خرافه زدایی! رواج پیدا کرد، و این هم ناشی از سلطه استعمار و استبداد دست نشانده و زیر سلطگی مسلمین و جوامع اسلامی و جهل و فقر حاصل از آن بوده است.

توضیحی در باره آسمان

باید توجه داشت که در رابطه با باران، آیات زیادی در قرآن آمده است، و در آیاتی که مختصرا به این موضوع پرداخته اند، تنها به این اصل اشاره کرده اند که الله از آسمان آب نازل میکند. و این پدیده که باران از «آسمان» نازل میشود، دستاویز اهل خرافه و جهال غیرمسئول و دین فروش شده است. و اینها نه حوصله و لیاقت آنها داشته اند که بروند واقعیت این پدیده را روشن نمایند (خاصتا با توجه به اینکه شبهه تضاد یک تعلیم اسلامی با واقعیات مسلم در میان است!)، و نه خواسته اند که این مسئله اصلا روشن بشود، تا مردم، جاهل و نادان باقی بمانند. اینست که این بینه و دیگر بینات، تا حال نیز مجهول مانده اند. و بدون شک، سلطه استبداد سیاسی و نیز تبدیل دین توحیدی اسلام به شغل و حرفه آخوندهای دین فروش، نقش بنیادی در تداوم وضعیت جاهلی و خرافه گری داشته اند، زیرا نظام استبدادی دین را وسیله غفلت و سرگرمی قرارداده و آخوندهای مروج خرافات هم از گمراهی و خرافه گری مردم، نان خود را بیرون کشیده اند. اینست که یک اصطلاح عالی قرآنی، مثل سما، در میدان جهل و استبداد سیاسی و حرفه گری نامشروع، سر از خرافات و چیزهای عجیب و غریب در می آورد و محتوای اصلی اش بکلی محو و نابود

میشود ، و در این میدان جهل و سرکوب و حرام خواری ، حتی مراجعه ای ساده به کتب لغت و مفردات قرآنی بلا موضوع میشود . بله ، اصطلاح **سما**ء (آسمان) در قرآن بسیار استعمال شده و برای امور متعددی بکار رفته است ، اما در همه موارد ، **سما**ء بمعنای « **خلقت غیر ارض** » و یا « **جو فوق ارض** » آمده است .

بعبارت دیگر اصطلاح **سما**ء در قرآن ، هم برای جو زمین و فضای خارج از زمین بکار رفته ، و هم برای کرات غیر از ارض استعمال شده است . اینست که در قرآن هم خلقت و کرات غیر ارضی ، بعنوان سماوات (آسمانها) ذکر شده اند ، و هم آنچه که در محدوده « **جو زمین** » واقع شده ، آسمانی یا واقع شده در آسمان نامیده می شوند . مثلاً قرآن منزل در باره کیفیت و محل نزول باران چنین می فرماید :

و ارسلنا الريح فانزلنا من السماء ماء (حجر - ۲۲) : « و بادهای حامل باران را فرستادیم ، پس از آن از آسمان (فوق زمین ، جو زمین ،) آب نازل کردیم . » این آیه در عین اینکه منشاء بارانها را بادهای حامل باران ذکر میکند ، در همان حال میفرماید که بارانها از آسمان نازل شده و پایین می آیند . همچنین قرآن مبین در سوره ابراهیم اعلام میکند که شاخ و برگ درختان در آسمان است ، بدینصورت :

كلمة طيبة كشجرة طيبة اصلها ثابت و فرعها في السماء (ابراهیم - ۲۴) : « عقیده پاک و درست مثل درخت پر ثمری است که اصل و ریشه اش در زمین ثابت و محکم است و شاخ و برگش در آسمان میباشد . » بنابر این همانطور که باران از آسمان می بارد ، شاخ و برگ درختان هم در آسمان است ، و در هر دو مورد ، منظور قرآن از بودن این پدیده ها در آسمان ، واقع شدن آنها در فوق زمین و در جو زمین میباشد . در همین رابطه و برای وضوح هرچه بیشتر به کتاب مشهور و ارزشمند « **مفردات القرآن** » از راغب اصفهانی تحت عنوان « **سما**ء » مراجعه فرمایید ، کتابی که مختص کلمات و اصطلاحات قرآن است و قرنهایست که محل استناد عالمان اسلامی و غیر اسلامی است .

بله از نظامهای ضد بشری استبدادی بگذریم ، اما آخوندها باید جوابگو باشند که آنها بر چه اساسی ، برخلاف نصوص صریح قرآن ، ولی بنام اسلام و قرآن ، خرافه هایی تا این اندازه مفتضح به مردم تلقین و تحمیل کرده اند؟! ، همچنین آیا همین مورد روشن ، دلیل قاطعی برای نادانی یا خیانت کاری آخوندهایی نیست که اسلام را چنین معرفی کرده اند . آیا کسانی که اینهمه نسبت به اسلام نادان یا خائن بوده اند ، باز هم جهت اخذ اسلام باید به آنها و خرافاتشان مراجعه نمود و به عنوان علمای اسلام نگریسته شوند؟! ، بدون شک بیشتر آخوندها نزد اکثریت مردم مسلمان ،

اعتبار خود را از دست داده اند، و خصوصاً نسل جوان از مراجعه به آنها احساس شرمندگی میکنند. اما وضع استبدادی همه چیز را قفل و همهٔ امور را به فساد کشیده است. بنابر این، تداوم آخوندی گری، وابسته به وضع استبدادی است، و زوال وضع استبدادی، خصوصاً در ایران ولایت مطلقه و خرافه زده، آخوندیگری را سست و سرانجام مضمحل خواهد کرد. و ان شاء الله اسلام و مسلمین از چنگ آخوندی گری، که از نام دین توحیدی اسلام و عقب ماندگی ملل مسلمان سوء استفاده کرده، و همچنین از خرافه پرستی مذهبی و غیرمذهبی، که بیشتر بنام دین اسلام تبلیغ و ترویج شده، نجات خواهند یافت.

سازمان موحدین آزادیخواه ایران
۱ شوال ۱۴۲۷ - ۱ آبان ۱۳۸۵